



در تاریخ خود بارها نشان داده که تیم روزهای سخت و بازگشت‌های بزرگ است. استقلال در دویی به بدشانسی و تکنولوژی باخت، نه به فوتبال الحسین. اگر آبی پوشان بتوانند همان نمایش هجومی را با جاشنی دقت بیشتر در اردن تکرار کنند، صعود به مرحله بعد دور از دسترس نیست. الحسین تیمی است که اگر یک گل دریافت کند، ساختار دفاعی اش از هم می پاشد. استقلال برای پیروزی در بازی برگشت، به چیزی فراتر از تاکتیک نیاز دارد؛ آنها به شخصیت آسیایی خود نیاز دارند. شبی که استقلال بتواند از سد میلی متری VAR و اشتباهات فردی بگذرد، شبی است که دوباره مدعی اصلی قهرمانی در لیگ قهرمانان ۲ خواهد بود.

جهنمی برای آبی ها خواهند ساخت. استقلال نیاز به باز یکنان با تجربه ای مثل صالح خردانی و ابوالفضل جلالی دارد تا بتوانند در دقیقه ابتدایی، بازی را کنترل کنند و اجازه ندهند حریف روی موج تشویق ها سوار شود. تیم های اردنی متخصص ضد حمله هستند. استقلال در بازی برگشت ناچار به حمله است و این یعنی فضاهای خالی بیشتری در پشت مدافعان ایجاد می شود. سایپنتو باید فکری به حال پوشش فضاهای میانی بکند تا دوباره روی شوت های از راه دور غافلگیر نشود. سایپنتو استاد بازگشت های احساسی است. او باید بتواند از نظر روانی تیم را به این باور برساند که شکست یک بر صفر در بازی رفت، پایان کار نیست. استقلال

سؤال بزرگ هواداران این است: آیا استقلال می تواند در اردن ورق را برگرداند؟ پاسخ به این سؤال، در گرو چند فاکتور حیاتی است.

■ استقلال در بازی رفت نشان داد که راه رسیدن به دروازه الحسین را به خوبی بلد است. اگر مهاجمان استقلال در بازی برگشت کمی باهوش تر عمل کنند و از فرصت های «مدر صبی» بهره ببرند، الحسین تیمی نیست که بتواند ۹۰ دقیقه مقابل فشار استقلال دوام بیاورد. بازی برگشت در اردن برگزار می شود؛ جایی که هواداران پر شور الحسین

پایان ماه عسل

تراکتور به السد باخت و با قبول نخستین شکست فصل در آسیا، شانس صدرنشینی در لیگ نخبگان را از دست داد

الوحده حرکت می کند، الاهلی امارت ۱۱ امتیازی است و الدحیل و السد با ۸ امتیاز در رده های بدی قرار دارند. تراکتور صعود کرده اما هفته پایانی می تواند شرایط این تیم را تغییر دهد. این فشرده گی امتیازات یعنی هفته آخر حکم مرگ و زندگی را برای تعیین حریف مرحله بعد دارد. رتبه دوم مسیر هموار تر و فرعه آسان تری (احتمالاً تیم هفتم جدول) را پیش روی تیم قرار می دهد اما سقوط به رده های پایین تر ممکن است تراکتور را به مصاف عربستانی ها بفرستد و این بدترین اتفاق ممکن برای قهرمانی تیر تیز خواهد بود.

■ حالا تمام تمرکز اسکوچیچ و سربازانش باید روی بازی پایانی مرحله گروهی مقابل الغرافه قطر باشد. این بازی دیگر یک مسابقه تشریفاتی نیست بلکه جنگی تمام عیار برای بازپس گیری جایگاه دوم است. الغرافه تیمی است که نوسان زیادی داشته، اما بازیکنان باکیفیتی دارد و می تواند در در سراز شود. تراکتور برای این بازی ۲۱ ماوریت دارد، اسکوچیچ باید تیمش را از شوک شکست مقابل السد خارج کند و به آنها یادآوری کند که هنوز هم یکی از بهترین تیم های این تورنمنت هستند. پیروزی مقابل الغرافه، تراکتور را ۱۷ امتیازی می کند و رتبه دوم را به حاکثر می رساند. شبی که سوت پایان بازی با الغرافه زده شود، مشخص خواهد شد که آیا تراکتور به عنوان یک مدعی قدرتمند (تیم دوم) به مرحله حذفی می رود یا به عنوان تیمی که در هفته های آخر نفس کم می آورد.

فرمانروایی تراکتور در لیگ نخبگان آسیا، سرانجام در شبی که پوی غرب و بی رحمی می داد، ترک برداشت. شاگردان درآگان اسکوچیچ که تا هفته هفتم با غرور و صلابت، لقب شکست ناپذیر را یکدی می کشیدند و تنها تعقیب کننده جدی الهلال بودند، در ورزشگاه جاسم بن حمد دوحه زانو زدند. باخت ۲ بر صفر مقابل السد، نه یک فاجعه، بلکه یک سیلی بیدار کننده بود؛ همداری که نشان داد در سطح اول آسیا، کوچک ترین غفلت برابر ستاره هایی چون اکرم عفیف و فیرمیتو، ناوالی سنگین دارد.

■ تراکتور در حالی به مصاف السد رفت که روی کاغذ میزبان نبود، اما محکم AFC باعث شد تا سرخ پوشان تبریزی در خانه حریف به میدان بروند. با این حال، تراکتور بازی را جسورانه آغاز کرد و اگر فرصت سوزی های مهاجمان و درخشش مشعل برشام نبود، شاید داستان جور دیگری رقم می خورد. اما قافان نانو شسته فوتبال بی رحم است؛ تیمی که گل نزنند، گل می خورد. جادوی اکرم عفیف و تمام کنندگی فیرمیتو، خط دفاعی تراکتور را که تا پیش از این در مستحکمی بوده، فرو ریخت تا نخستین شکست آسیایی فصل برای پرشورهای ثبت شود.

■ با این شکست، وضعیت جدول لیگ نخبگان (منطقه غرب) پیچیده تر از همیشه شد. تراکتور که می توانست با یک تساوی هم جایگاه دوم خود را تثبیت کند، حالا با ۱۴ امتیاز و به دلیل تفاضل گل کمتر نسبت به الاهلی عربستان، به رده سوم سقوط کرده است. در حال حاضر الهلال ۱۹ امتیازی است و به عنوان تیم اول راهی مرحله بعد شده است. الاهلی عربستان، تراکتور و الوحده امارات، ۱۴ امتیازی هستند و به ترتیب رتبه های دوم تا چهارم را در اختیار دارند. الاتحاد با ۱۲ امتیاز، سایه به سایه تراکتور و



یکی از تلخ ترین سکاس های شب شکست تراکتور در دوحه، نه لحظه باز شدن دروازه پیرانوند، بلکه دقیقه ۴۴ بازی بود؛ جایی که مهدی تراهی، ستاره بازیکن حریف متوقف شد و با چهره ای در هم کشیده دستش را به پشت ساق پایش گرفت. این صحنه برای درآگان اسکوچیچ حکم یک کابوس نبود. تراکتور در این فصل با پاس های کلیدی و حرکات تکنیکی اش، همسریک با تراکتور را در دست داشت، به دلیل مصدومیت عضلانی (احتمالاً کرد تا جای خود را برچی لوژیکا بدهد. خروج او، عملار تیم شد و زمین را ترک کرد. رتبه دوم اول فلج کرد و خط ارتباطی میان هافبک ها و مهاجمان قطع شد. اتفاقی که به السد اجازه داد که با خیال راحت تری جلو بکشد و بازی مسلط شود. حالا نگرانی بزرگ تبریزی ها فراتر از باخت به السد است. اگر مصدومیت تراهی برای گی با کشیدگی شدید باشد، او نه تنها بازی حساس و حیاتی هفته آخر مقابل الغرافه را از دست خواهد داد، بلکه ممکن است در درهای ابتدایی مرحله حذفی را هم از روی سکو تماشا کند.

لیگ نیست!

را شکست؛ تیمی که ۲ بار به گل رسیده و هر دو بار با فواصل چند سانتی متری مردود شده، به سختی می تواند تمرکز خود را حفظ کند. الحسین که تا آن لحظه تنها دفاع می کرد، از همین «فروپاشی روانی» لحظه ای استفاده کرد. ■ دقیقه ۷۸، نقطه پایان آرزوهای استقلال در بازی رفت بود. روی یک توپ ربایی در میانه میدان و در حالی که مدافعان استقلال برای حمایت از حمله جلو کشیده بودند، توپ به یوسف ابوجلیوش رسید. او از فاصله ای نزدیک به ۲۵ متر، شلیکی را روانه دروازه کرد که نه حیب فرعباسی و نه هیچ دروازه بان دیگری، چاره ای برای مهارش نداشت. این گل، مصداق بارزی بی عدالتی در فوتبال بود. تیمی که ۹۰ دقیقه حمله کرد، روی تنها موقعیت جدی حریف مغلوب شد. سایپنتو بلافاصله با تعویض های تهاجمی مثل ورود نازون و قلی زاده سعی در جبران داشت. اما دیوار دفاعی الحسین و درخشش خیره کننده یزید ابولیل، راه را بستند تا بازی با همان تک گل به پایان برسد. ■ شکست مقابل الحسین، بار دیگر بحث های فنی پیرامون استقلال سایپنتو را داغ کرد. استقلال این فصل، تیمی است که سخت می برد. آنها در لیگ برتر هم با وجود ایستادن در رده های بالایی جدول، مدام با نوسان روبه رو هستند. سایپنتو تیمی ساخته که در مدیریت بحران و استفاده از لحظات، لنگ می زند. اصرار به بازی از جناحین و ارسال های پیاپی، وقتی مهاجم هدف در روز خوش نیست، به بن بست ختم می شود. از سوی دیگر، حواشی مربوط به لیست خروج و ورود بازیکنان، تمرکز را از ختکنی گرفته است. وقتی بازیکنی مثل سامان تورانیان به دلیل مشکلات اداری از سفر جامی ماند.

■ استقلال بازی را با آرایشی تهاجمی آغاز کرد. سایپنتو که می دانست الحسین تیمی فیزیکی و با دفاعی چند لایه است، سعی کرد با استفاده از سرعت علیرضا کوشکی و قدرت تمام کنندگی سعید سحر خیزان، خیلی زود به گل برسد. آمار نیمه اول خیره کننده بود؛ پیش از ۶۰ در صد مالکیت توپ و ایجاد ۵۰ موقعیت جدی گلزنی. اما گویی طلسمی بر پاهای سحر خیزان بسته شده بود. در همان دقیقه ۸، وقتی کوشکی با یک پاس مینیاتوری او را در محوطه شش قدم صاحب توپ کرد، همه آماده فریاد شادی بودند، اما یک کنترل ناشیانه کافی بود تا فرصت طلایی بسوزد. این صحنه، مشتی نمونه خورار بود از آنچه در طول ۹۰ دقیقه رخ داد؛ تیمی که موقعیت می ساخت، اما بلد نبود تیر خلاص را شلیک کند. ■ نیمه دوم بازی، فراتر از یک مسابقه فوتبال، به نبردی میان استقلال و تکنولوژی تبدیل شد؛ جایی که هواداران استقلال برای نخستین بار با بی رحمی مطلق VAR از آسیا و به رو شدند. آسانی، وینگر آلبنایی استقلال که در طول بازی سستاره میدان بود، روی یک پاس قطری استثنایی از آشور مارتوف، دروازه را باز کرد. استاد دوم (هر چند با تماشاگرانی اندک) منفجر شد اما داور عمانی پس از بازیبینی، گل را به دلیل آفساید میلی متری رد کرد. تنها ۱۰ دقیقه بعد، رستم آشور مارتوف با یک ضربه سر چکشی تور را لرزاند. باز هم ششادی، باز هم امید و باز هم سوت سرد داور. این بار هم آفساید، راه استقلال را بست. این دو صحنه، کمر روانی تیم



استقلال در روزی که موقعیت های زیادی داشت و حتی گل آفساید هم به ثمر رساند، به الحسین باخت تا مسیر صعود سخت و سخت تر شود

بازگشت شخصیت

منچستر با کریک به پنجمین برد متوالی اش نرسید اما نشان داد از باخت فراری است



فوتبال منچستر یونایتد در یک دهه اخیر، بیشتر شبیه یک ترازوی تکراری بود؛ تیمی که در لحظات سخت فرو می ریخت و بازیکنانی که با نخستین وزش باد مخالف، تسلیم می شد. اما آنچه در هفته های اخیر و به ویژه در شب پارانی لندن مقابل وستهم دیدیم، تولد دوباره مفهومی بود که هواداران نسل جدید یونایتد قط در مستندهای قدیمی دیده بودند؛ شخصیت بازگشت. مایکل کریک، که روزگاری با شماره ۱۶ خود در میانه میدان، نبض بازی شیاطین سرخ را کنترل می کرد، حالا همان خونسردی و تسلط را به درختکن تیم تزریق کرده است. او در حال انجام کاری است که مربیان بزرگ و نامدار پیش از او با هزینه های گزاف نتوانستند؛ او در حال بازگرداندن غرور جریعه دار شده است.

■ در دوران مربیان قبلی، وقتی یونایتد در دقیقه ۶۸ گل اول را دریافت می کرد، اغلب شاهد یک فروپاشی تاکتیکی و روانی بودیم. تیم سراسیمه می شد، نظم خود را از دست می داد و معمولاً گل دوم را هم روی یک ضد حمله دریافت می کرد. اما یونایتد کریک در مقابل وستهم، وقتی عقب افتاد، وحشت نکرد. این تیم حالا یاد گرفته است که چطور با ساعت جنگد. تساوی در دقیقه ۹۶ مقابل وستهم، تنها یک خوش شانسی محض نبود؛ بلکه نتیجه فشاری بود که از دقیقه ۷۰ به صورت سیستماتیک بر حریف وارد شد. کریک به تیمی آموخته که بازندوبون یک انتخاب است و تا زمانی که سوت پایان به صدا در نیامده، پیراهن سرخ یونایتد اجازه تسلیم شدن ندارد. این فرار از شکست، نخستین خشت از بنای شخصیتی است که کریک در حال ساختن آن است. ■ تفاوت اصلی کریک با پیشینیانش در هیاهو نیست، بلکه در سکوت است. او نه مانند مربیانی با رسانه های جنگد و نه مانند تن هاخ در گیر لجبازی های انضباطی علنی می شود. کریک به سبک خودش، یعنی با همان وقار همیشگی، توانسته اعتماد بازیکنانی را جلب کند که پیش از این به نظر می رسید اشتیاق خود را از دست داده اند. بنیامین بشکوه تحت هدایت او تبدیل به یک ماشین گلزنی بی رحم شده و بازیکنانی مثل کوبی ماینو، حالا با آزادی عمل بیشتری در میانه میدان جادو می کنند. کریک به جای تغییرات انقلابی و خرید های نجومی، روی ساختار ذهنی تمرین تمرکز کرده است. او به بازیکنانش باور داده که آنها نه ستاره های اینستاگرام، بلکه سربازان تیمی هستند که تاریخش بر پایه بازگشت های غیر ممکن بنا شده است. ■ بسیاری از تحلیلگران معتقدند که کریک در حال بازسازی



صندلی داغ

نیمکت تاتنهام باز هم قربانی گرفت و توماس فرانک رسماً از سرمربیگری این تیم بر کنار شد

ساعت دیواری دفتر دنیل لوی در استادיום مجلل تاتنهام، ساعت ۳ بامداد چهارشنبه را نشان می داد که آخرین اعضای سر نوشت سازه باز برگه خروج توماس فرانک نشسته؛ مردی که قرار بود با لیگتهای کار یزما تیک و فلسفه بر نفور د مدرن خود، شمال لندن را به تسخیر در آورد. حالا تنها با یک کارتن مقوایی از وسایل شخصی از در پشتی باشگاه خارج شده است. تاتنهام باز دیگر ثابت کرد که اینجا، منطق فوتبال در برابر صبر لیریز شده هیچ جانی بر دفا ندارد.

■ عجیب است؛ تاتنهامی که فصل قبل با آنزه پوستوگلو جام لیگ اروپا را بالای سر برده بود، حالا با توماس فرانک به تیمی تبدیل شده که حتی برای گرفتن یک امتیاز در خانه هم عاجز است. تضاد عجیبی در این فصل به چشم می خورد؛ اسپرز در لیگ قهرمانان اروپا ملک غول عمل می کرد، اما در لیگ برتر، به تیمی بی هویت تبدیل شده بود که فقط ۵ امتیاز با منطقه سقوط فاصله دارد. لوی که دیگر طاقت شنیدن سوت های ممتد اعتراضی هواداران را نداشت، شبانه حکم اخراج را امضا کرد تا تاتنهام بار دیگر به خانه اول بر گردد.

■ حالا در راهروهای ورزشگاه تاتنهام، نام هایی شنیده می شود که هر کدام می تواند مسیر باشگاه را عوض کند. هواداران تاتنهام هنوز در گذشته زندگی می کنند. نام مانورسیو پوچتینو این هفته در تمام ورزشگاه طنین انداز بود. او که اکنون سکادار تیم ملی آمریکا در استانه جام جهانی ۲۰۲۶ است، در وضعیتی دشوار قرار دارد. بازگشت او شبیه به بازگشت قهرمانی است که برای نجات شهر سوخته اش می آید، اما آیا او حاضر است امنیت تیم ملی را فدای آشوب لندن کند؟

■ روبرتو ذرری؛ مرد ایتالیایی که همین دیروز از مارتسی جدا شد، داغ ترین گزینه روی میز است. ذرری با آن سبک بازی جسورانه و ریسکی، دقیقاً همان چیزی است که لوی به آن علاقه دارد؛ فوتبال هجومی و زیبا. اما منتقدان می پرسند آیا تیمی که در دفاع فاجعه است، به یک مربی بیش از حد تهاجمی نیاز دارد؟ رایی کین؛ برای بسیاری، بازگشت اسطوره باشگاه به عنوان سرمربی موقت، تنها راه آشنی با سکو هاست. کین که در مجارستان توانایی هایش را ثابت کرده، می تواند روحیه جنگندگی را به درختکن اسپرز برساند. ■ تاتنهام حالا بر سر دوراهی است. آنها یا باید سیراغ یک مربی آتش نشان برونند تا فقط تیم را در لیگ برتر حفظ کند یا دوباره دست به قمار بزرگ بزنند. هر چه هست، صندلی داغ تاتنهام باز دیگر قربانی گرفت و دنیل لوی نشان داد که در اخراج مربیان، سریع تر از مهاجمانش در گلزنی عمل می کند. امروز، تمرینات زیر نظر جان هیتینگا برگزار می شود، اما همه می دانند که این فقط یک مسکن موقت برای زخمی عمیق است. شمال لندن چند شبی بیدار می ماند تا ببیند چه کسی جرأت می کند هدایت تیمی را بر عهده بگیرد که همزمان هم در یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان است و هم در خطر سقوط به دسته پایین تر!



فتح ناپل!

فابریکاس با شکست دادن تیم کونته، راهی نیمه نهایی کوپا ایتالیا شد

در قلعه ای که به نام دیگو مارادونا تظاهر شده، هیچ کس برای تماشای یک سقوط خانگی آماده نبود. وقتی سسک فابریکاس با آن چهره مسموم و استایل مدرنش در کنار خط ایستاد، هواداران متعصب ناپولی گمان می کردند این بازی فقط یک تشریفات ساده برای تیم مخوف آنتونیو کونته است. اما فوتبال، بی رحم تر از آن بود که به پیش بینی ها وفادار بماند. بازی شبیه به یک شطرنج خوبین در میانه میدان آغاز شد. کومو، تیمی که تا همین چند سال پیش در لایه های زیرین فوتبال ایتالیا دست و پا می زد، حالا با اعتماد به نفسی که فابریکاس در رگ هایشان تزریق کرده، ناپولی بزرگ را به بند کشیده است. گل باتورینا مثل یک خنجر سرد، قلب استادپوم را شکافت. هر چند وراگارا با گل تساوی اش سعی کرد غرور جریعه دار شده جنوب را ترمیم کند، اما سرنوشت در جای دیگری، میان نقطه سفید پناالتی و دست های لرزان، نوشته شده بود.

وقتی بازی به ضیافت پناالتی ها رسید، سنگینی ۴۰ سال انتظار روی دوش بازیکنان کومو حس می شد. ضربه بی دقت لوپوتکا که به آسمان رفت، حکم تیر خلاص را داشت. در یک لحظه، سکوت مرگباری استادپوم را بلعید و تنها صدای فریاد شادی لاجوردی پوشان کوچک بود که آسمان ناپل را شکافت. این برد ۶-۰ فقط یک صعود به نیمه نهایی نبود؛ یک زلزله در ساختار فوتبال ایتالیا بود. فابریکاس نشان داد که برای پادشاهی، نیازی به سال ها انتظار نیست؛ گاهی نبوغ و جسارت کافی است تا یک شاگرد، استاد کهنه کارش را در خانه خودش کیش و مات کند. حالا ایتالیا با احترام به تیمی نگاه می کند که از کنار دریاچه آمده تا تمام معادلات قدرت را برهم بزند.

